



24
12
19

شنبه

۰۳ دی ۱۳۹۸
شماره ۳۰۰۲
۲۷ ربيع الثانی ۱۴۴۱

یادداشت

به عبارت دیگر (۳۸)

ما همه زارع و کشاورزیم!



حجت الاسلام
محمدرضا زلری
کاشناس
مسائل فرهنگی

یکی از جوانان مشهدی که از عالم نامدار و عارف بزرگ مرحوم آیتا... میرزا جواد آقا تهرانی کتابی خواسته بود می گوید: روزی تلفن منزل ما زنگ خورد. گوشی را برداشتم و سلام کردم. زارع هستم. کتابی که خواسته بودید پیدا کردم. او می گوید من که اصلا تصور نمی کردم آن مرد بزرگ این گونه فروتنانه با من تماس بگیرد، تازه ایشان را شناختم و تعجب کردم که خود را زارع معرفی کرد. ایشان خودشان توضیح داد: مگر دنیا مزه آخرت نیست؟ پس همه ما در این کشتزار زندگی زارع و کشاورزیم!

و مردم مشهد شاهد و گواه هستند که آن بزرگوار، خود، به راستی در همه لحظه‌های زندگی اش مراقب این زراعت ماندگار و جاودانه بود.

انسان مؤمن که دنیا را تنها گذرگاه و محل عبور می داند باور دارد که باید از این معبر توشه‌ای برای آخرت خود برگرداند و معتقد است که هر گفتار و کردارش، هر نگاه و حرکتش - هر چند محدود و ناآشنا - بذری است که در زمین زندگی خود می کارد و حاصل آن را به زودی برداشت خواهد کرد.

وقتی انسان مؤمن عقیده داشته باشد که هیچ چیز در زندگی کم نمی شود و از بین نمی رود، به طور طبیعی زمین حاصلخیز خود را با هر بندر ناسالم و ناپاکی پر نخواهد کرد و فرصت محدود خود را به راحتی از دست نخواهد داد.

در برخی روایات و احادیث دیگر تعبیری مشابه این به کار رفته و قبر انسان مؤمن را به کنودی عسل تشبیه کرده است: القبر کنودج المؤمن، قبر کنودی مؤمن است.

انسان باورمند با ایمان به زنبور عسل تشبیه شده است که جز روی گل نمی نشیند و تنها هر چه شهد و شکر است می بیند و ذخیره می کند و در نتیجه، اعمال او که برای آخرتش در صندوق قبر و گنجینه آخرت جمع می شود همه خیر و نیکی و زیبایی و خوبی است.

قبر برای انسان بی ایمان چاله‌ای سیاه است که از آن می ترسد و از داخل شدن به آن پرهیز دارد اما قبر برای انسان مؤمن گنج و صندوق ذخیره‌های ارزشمندی است که نه تنها وارد شدن به آن نمی فرساید بلکه برای رسیدن به آن لحظه شماری می کند.

وقتی کسی سال‌ها همه چیزهای خوب و قیمتی و ارزشمند و زیبا را اندک‌اندک در خانه‌ای مطمئن و آرام برای خود ذخیره کرده باشد به طور طبیعی مشتاق است تا از خانه‌ای خراب به این خانه آباد منتقل شود و زندگی ابدی خود را در راحتی و آسایش آغاز کند.

علت حقیقی و اهمه و ترس برخی‌ها از مرگ دقیقا همین است که سال‌ها اشتغال و کثافت در صندوق آخرت خود ذخیره کرده و قبرشان را به یک زیاده‌دانی بدل ساخته‌اند و از وارد شدن به آن هراس دارند. ما که از دست زدن و نگاه کردن به داخل سطل زباله کنار خیابان بدمان می آید چگونه می توانیم تحمل کنیم که مثلا حتی یک ساعت یا چند ساعت در آن بنشینیم؟ حالا تصور کنید کسی مجبور باشد یک عمر ابدی و جاودانه - که هرگز پایان ندارد - در میان کثافت‌ها و آلودگی‌هایی که کم‌کم جمع شده‌اند سپری کند! اگر از عذاب آخرت سخن به میان می آید، آن عذاب‌ها در واقع همین کارهای امروز ما است. همین زخم‌زبانی که به دیگران می‌زنیم می‌شود نیش عقرب و مار. همین آتشی که از درد حسرت و داغ حرمان در دل مردم می‌افروزیم می‌شود شعله آتش. همین لقمه ناپاکی که از حق محرومان می‌خوریم می‌شود چرک و خون! اگر از نعمت‌های بهشتی هم گفته شده است همه آن نعمت‌های جاویدان آخرت باز تاب و جلوه‌ای از اعمال امروز ما است. همین احترامی که بایلخند و ادب به پدر و مادرمان می‌گذاریم و نسیم محبت را در دلشان جاری می‌کنیم می‌شود جوی شیر و رود عسل. همین خانه‌ای که برای سرپناه جوانان محروم می‌سازیم می‌شود قصر و کاخ. همین جوانه‌های شادی که در دل‌های ناکام می‌رویانیم می‌شود درخت و باغ! این است که از پیامبر خداوند شده که قبر هر کسی با باغی است از بوستان‌های بهشت یا حفره‌ای است از حفره‌های آتش!

خدا به همه ما رحم کند. کسی چه می‌داند که چقدر فرصت دارد؟ یک سال؟ یک روز؟ یک ساعت؟ کاش بتوانیم تا می‌توانیم و فرصت داریم، بذری در مزرعه دنیا بکاریم و چیزی برای آخرتمان ذخیره کنیم که برای رسیدن شوق داشته باشیم و از دیدنش وحشت نکنیم!

با هم بشنویم،
نگارم
کی شونده؟
هفت اشرف راه
ترانه‌اش از
کیه؟
امیر صباغ‌نو
آهنگ‌سازش
کیه؟
مهمر ممشقی
سن و سالش
پیشه؟
عاشقانه و احساسی



پول، آسانسور موفقیت در تلویزیون

درباره خواننده‌هایی که به کمک پول مطرح می‌شوند و حتی از تلویزیون سر در می‌آورند



طرح: رضاشکی شهرزاد

محمدرضا عیوضی خواننده نام‌آشنایی است که صدایش با کلی از خاطرات نوجوانی ما گره خورده است. سال‌های آخر دهه ۷۰ شب‌های زیادی پای تلویزیون به تماشای سریال «روزگار جوانی» و تیتراژ خاطره‌انگیز آن با صدای عیوضی نشستیم. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ این خواننده هم مثل خیلی از هم‌دوره‌های هایش کم‌کار شد. این روزها هم به جای اینکه پشت میکروفون باشد، روی سن تئاتر مشغول فعالیت است. او در نمایش «اتاق پرو» نقش کولگ ماس، یک پروفیسور ادبیات زبان لاتین و یونانی، را بازی می‌کند. او در مصاحبه‌ای که در حاشیه این نمایش با خبرنگاران داشت، حرف‌هایی جنجالی زده و پرده از برخی زدوبندهای موجود در تلویزیون برداشته است. او موسیقی پاپ ایران را «منجر به بیماری گوش شنوندگان» توصیف کرده و درباره زدوبندهای آن این‌طور گفته است: «به نظرم ۹۵ یا ۹۰ درصد خوانندگان به اجرای هجویات می‌پردازند. به گمان من روابطی که این روزها در صداوسیما وجود دارد روابطی کاسب‌کارانه است و این قبیل پیشنهادها حتی به خود من نیز شده است! به من نیز گفته‌اند اگر می‌خواهی فلان کارت از صداوسیما پخش شود، این مبلغ پول بده. پول می‌دهید و آن‌ها (واسطه‌ها و دلال‌ها) برای کارت‌تان، هر چه باشد، مجوز می‌گیرند و به عنوان تیتراژ سریال پخش می‌کنند.» صحبت‌های جنجالی این خواننده بهانه‌ای شد تا کمی بیشتر درباره خواننده شدن به ضرب پول جست‌وجو کنیم و از آن بنویسیم.

که برخی از دوستان بر این نظر هستند که راه موفقیت خود را با پول و پارتی کوتاه کنند، اتفاقی که تقریباً در همه مشاغل دیده می‌شود. «صحبت حجت اشرف‌زاده را وقتی می‌شود بهتر فهمید که بدانید تلویزیون تنها جایی نیست که در ازای پول به یک خواننده شهرت هدیه می‌کند. برخی از سایت‌های موسیقی، تعدادی از برنامه‌های رادیویی و حتی صفحات اینستاگرام فعال در حوزه موسیقی حاضرند بدون توجه به آنچه بر سر گوش مخاطب می‌آید، آهنگ یک خواننده سطح پایین را در ازای پول پخش کنند.

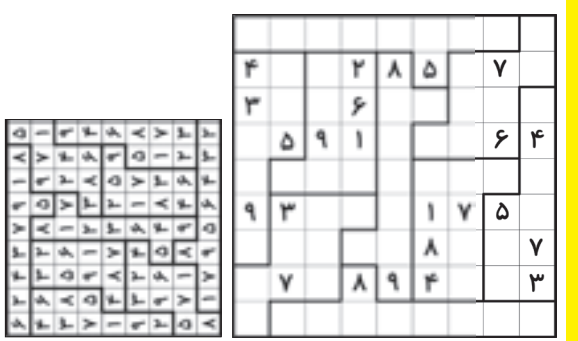
● ۱۰ میلیون برای یک تیتراژ نا قابل محمدرضا عیوضی اولین و تنها خواننده‌ای نیست که از رانت و زد و بند برای حضور خوانندگان در صداوسیما حرف زده است. ماه رمضان امسال فریدون آسرای، خواننده دوست‌داشتنی پاپ کشورمان، هم حرف‌هایی مشابه حرف‌های عیوضی گفت. او درباره پول و پارتی و همان مافیایی که در انتخاب خوانندگان تیتراژهای تلویزیون اثر می‌گذارد این‌طور گفت: «خواننده‌های بسیاری هستند که علاقه‌مند به تیتراژ خوانی در تلویزیون هستند و حتی شنیده‌ام مبالغی نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان هم پرداخت کرده‌اند تا تیتراژ یک برنامه را بخوانند.» حجت اشرف‌زاده، خواننده خراسانی کشورمان، هم در این باره به روزنامه ایران گفته است: «ایراد بزرگی که متأسفانه در جامعه ما به چشم می‌خورد این است

دکتر وقتی بر زمین افتاد که هوای اجرای کنسرت زنده به سرش زد و در برج میلاد مقابل چشم هزاران تماشاگر، پلی‌بک اجرا کرد. او که در اولین کنسرتش حسابی ذوق زده شده بود، میکروفون را به سمت تماشاگران کنسرت گرفت تا با او هم خوانی کنند و صدایش همچنان از بلندگوهای سالن پخش می‌شد. ویدئوی این گاف چنان در فضای مجازی داغ شد که رامبد جوان در اینستاگرام بابت دعوت او به «خندوانه» از مردم عذرخواهی کرد. آقای دکتر به حاشیه رفت و پس از آن فقط گهگاه اسمش را در سایت‌های موسیقی با یک آهنگ جدید می‌شود دید.

● دکتر بدصدا در تلویزیون اگر بخواهیم برای حرف‌هایی که تا به حال زده‌ایم شاهد مثال بیاوریم، گزینه‌ای بهتر از دکتر مسعود صابری پیدا نمی‌شود. جراح مغزی که ناگهان هوس خواننده شدن به سرش می‌زند و در یک چشم بر هم زد و با صرف مقدار زیادی پول تبدیل می‌شود به یک سلبریتی شناخته‌شده. فالوئرهای صفحه اینستاگرامش ناگهان هزار تا هزار تا بالا می‌رود و آهنگ‌هایش روی صفحه اول سایت‌های موسیقی جا خوش می‌کند. عکسش روی جلد مجلات می‌رود و دست آخر هم از برنامه «خندوانه» رامبد جوان سر درمی‌آورد و یک ساعت تمام مهمان برنامه می‌شود. تشت رسوایی

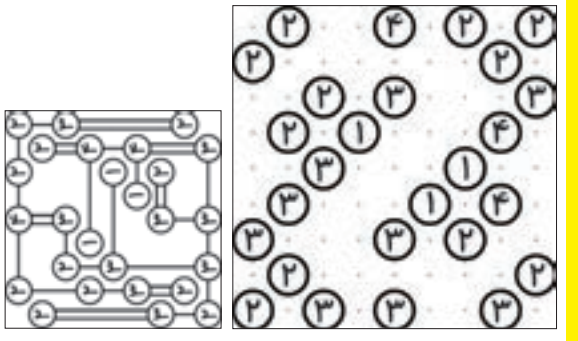
سودوکو

قوانین سودوکو بازی درست مثل سودوکو معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکو معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکو بازی این مربع‌ها به اشکال نامنتظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

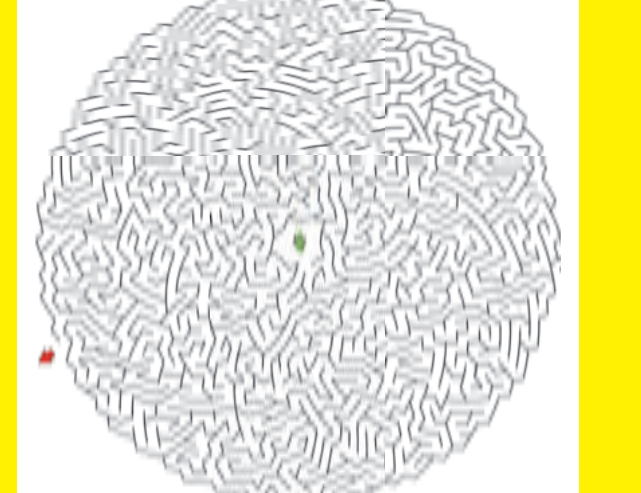


پل سازی

قوانین بازی: ۱. باید برای هر جزیره (دایره) به تعداد عددی که وسط آن نوشته شده است، پل (خطی که جزیره را به یکی از جزایر اطرافش وصل می‌کند) بسازید. ۲. تنها می‌توانید از خطوط راست عمودی یا افقی استفاده کنید و نمی‌توانید خطوط را به یال بکشید. ۳. بین ۲ جزیره بیش از ۲ پل نمی‌شود ساخت. ۴. پل‌ها نباید هم‌رنگ اقطاع کنند ولی در انتها همه جزیره‌ها باید به هم راه داشته باشند.

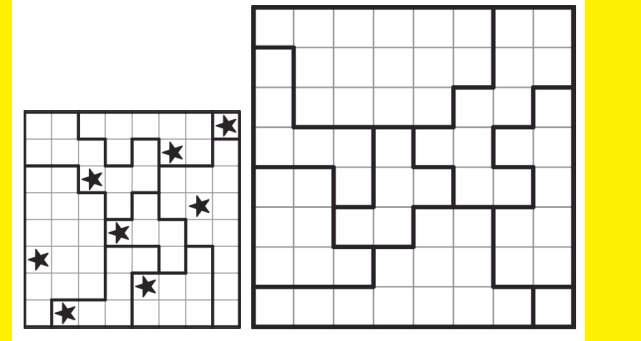


هزارتو



ستاره‌یاب

بازی ستاره‌یاب یک بازی منطقی جذاب و پرطرفدار است که برای اولین بار در مسابقات جهانی بازی‌های منطقی در سال ۲۰۰۳ از آن رونمایی و استقبال شد. قوانین بازی: ۱. هر جدول به ۸ منطقه تقسیم شده است که با خطوط پررنگ متمایز شده‌اند. ۲. باید در هر منطقه حتما یک ستاره قرار بدهید. ۳. در هر ردیف، ستون و منطقه نمی‌توان بیش از یک ستاره قرار داد. ۴. ستاره‌ها نباید چسبیده به هم قرار بگیرند (حتی مورب).



عکس تو عکس

گاف روزنامه هفت صبح درباره مهاجرانی



روزنامه «هفت صبح» دیروز ضمن انتشار شایعه بازگشت مهاجرانی نوشت: «یک منبع آگاه به هفته صبح گفته است که او (مهاجرانی) در شهر مشهد ساکن شده و در بدو ورود نیز برخورد قضایی-انظامی با او صورت نگرفته است.» این در حالی است که مهاجرانی یکشنبه شب شایعه حضور در ایران را تکذیب کرده بود.

لباس متفاوت یونوتوس برای دیدار با لاتزیو



دیدار سوپر جام فوتبال ایتالیا، یکشنبه شب بین تیم‌های یونوتوس و لاتزیو در شهر ریاض عربستان برگزار شد و در نهایت لاتزیو با برتری سه بر یک، جام را از آن خود کرد. جالب اینجاست باشگاه یونوتوس در این دیدار نام بازیکنان خود را به زبان عربی پشت البسه این تیم درج کرده بود. مدیر مالی این باشگاه پیش از این دیدار دلیل این حرکت را احترام به هواداران عرب یونوتوس در سراسر دنیا دانست. با توجه به عدم استفاده از برخی حروف در زبان عربی، نام بعضی از بازیکنان مانند ایگواین و پیانچچ به شکل متفاوتی پشت لباس یونوتوس درج شد.

ایستگاه سوپ‌خوری رایگان



در یکی از دانشگاه‌های ترکیه ایستگاهی درست شده است که دانشجویان می‌توانند به رایگان در آن سوپ بخورند. این ایستگاه شبیه ایخوری‌های ایران است. دانشجویان لیوان‌های یک بار مصرف را برمی‌دارند و شیر را باز می‌کنند تا لیوان پر از سوپ شود. سپس از خوردن سوپ رایگان لذت می‌برند.

پاداش بزرگ اپل برای هرکها



شرکت اپل چالش نفوذ هرکها و پیدا کردن حفره در برنامه‌های مرتبط با خودش را به راه انداخته است و به هر کس بتواند این کار را بکند یک میلیون دلار جایزه می‌دهد. برنامه امنیتی اپل Apple Security Bounty نام دارد که از سال ۲۰۱۶ فرایند ساخت و راه‌اندازی آن آغاز شده است. و وظیفه‌اش یافتن نقص در سیستم‌های اپل است. اکنون نسخه تکامل یافته آن عرضه شده است. البته افرادی که بتوانند سیستم را هک کنند باید برای کسب جایزه، توضیحات مفصلي درباره اشکال یا سوه‌استفاده مورد نظر ارائه بدهند و اپل باید بتواند فرایند طی شده توسط هرکها را تکرار کند. اپل اعلام کرده است فرایند هک باید بدون مشارکت میزبان، یعنی کسی که صاحب سیستم است، صورت بگیرد. البته جایزه دیگری برای هرکها در نظر گرفته شده است که می‌تواند از ۲۵ هزار دلار تا ۵۰۰ هزار دلار متغیر باشد.

تو شب یلدای منی



تصویری از فرزند یک پاکبان که در شب یلدا برای حضور پدرش در کنار خانواده به کمک او رفته بود در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود و مورد توجه کاربران قرار گرفته است.